

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش انقلاب اسلامی

عنوان:

رهیافت نظری بر نقش مرجعیت شیعه در تحولات

سیاسی اجتماعی (با تاکید بر انقلاب اسلامی)

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مصطفی ملکوتیان

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک زایی

نگارش:

مهدی غفاری

۱۳۹۱

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه ، اقتباس و.... از این پایان نامه یا رساله
برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

باتشکر و سپاس فراوان از خداوند منان که توفیق داد تا بتوانم این پایان نامه را به رشته تحریر درآورم
برخود لازم می دانم از زحمات همه عزیزانی که بنده را در تدوین این پایان نامه یاری رساندند تشکر
نمایم.

علی الخصوص از زحمات جناب آقای دکتر ملکوتیان (استاد راهنما) و جناب حجت السلام
والمسلمین آقای دکتر لک زایی (استاد مشاور) و نیز استاد داور تشکر و قدردانی نمایم.
انشاءالله که خداوند به همه این بزرگان جزای خیر عنایت فرماید.

چکیده:

در جامعه ایران پس از ورود اسلام و بسط تشیع، روحانیت و بویژه مرجعیت شیعه یکی از پر نفوذترین و تاثیرگذارترین اقشار اجتماعی بوده است و در بیشتر جریانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی ایفا نموده است.

این تحقیق به طور فشرده به نقش و تاثیر اندیشمندان مذهبی و به طور خاص مرجعیت شیعه در راستای حرکت پیامبران و ائمه و بعد از غیبت کبری می پردازد. به دلیل اینکه اولین حکومت شیعی در ایران به طور رسمی از زمان صفویه تشکیل شد به این بخش بیشتر پرداخته شده است نقش بزرگانی همچون محقق کرکی و محمد باقر مجلسی در زمان صفویه و علمای عالیقدری چون آخوند خراسانی و نائینی در زمان قاجار برجسته تر از دیگران به نظر می رسد لیکن ما در این جستجو به این حقیقت تاریخی رسیدیم که این بزرگان گاه در نقش مرجعیت مانند میرزای شیرازی و ملاعلی کنی در زمان قاجار جلو مستعمره شدن ایران را میگیرند و گاه در نقش آیت الله مدرس وارد مجلس می شود و جلو انحرافات رضاخانی می ایستد، گاه همچون آیت الله کاشانی با مصدق همراه میشود و گاه به دلایل مذهبی دست از حمایت او برمیدارد لیکن نقطه اصلی همیشه روشن و مشخص است. بدون ذره ای تردید نقطه اصلی مذهب تشیع و راه راستین پیامبران بوده است. چنانکه این برنامه ریشه دار فرهنگی و این استراتژی عمیق و دقیق، نهایتاً ما را به شکوهمند انقلاب اسلامی رساند.

ما در این تحقیق کوشیده ایم نقش اندیشمندان مذهبی و به طور خاص مرجعیت شیعه، در بیدار کردن مردم و سمت و سو دادن به این تحول عمیق فرهنگی را نشان دهیم جستجو و کاوش در این باره ما را بدانجا رهنمون کرد که این خط الهی با اولین پیامبر آغاز گشته و تاکنون ادامه یافته است.

واژگان کلیدی: مرجعیت شیعه، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، رژیم پهلوی

- پیشگفتار..... ۱
۱. فصل اول : کلیات ۲
- ۱-۱. بیان مسئله ۳
- ۱-۲. پرسش اصلی تحقیق ۳
- ۱-۳. سوالات فرعی..... ۳
- ۱-۴. پیشینه تحقیق ۳
- ۱-۵. هدف تحقیق..... ۴
- ۱-۶. فرضیه ۴
- ۱-۷. نوع روش تحقیق..... ۴
- ۱-۸. روش گردآوری اطلاعات ۴
- ۱-۹. روش تجزیه تحلیل اطلاعات..... ۴
- ۱-۱۰. ساختار و سازماندهی تحقیق ۴
۲. فصل دوم : شکل گیری مرجعیت شیعه در ایران و تحولات علمی و سیاسی آن..... ۶
- ۲-۱. مقدمه..... ۷
- ۲-۲. کارکردهای مرجعیت..... ۱۰
- ۲-۲-۱. مشروعیت بخشیدن به رهبری مرجع..... ۱۱
- ۲-۲-۲. مبارزه با کجرویهای دولتها..... ۱۲
- ۲-۲-۳. پناهگاه مردم ۱۳
۳. فصل سوم : نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی اجتماعی عصر صفوی تا پهلوی ۱۸
- ۳-۱. مقدمه..... ۱۹

ب

- ۲-۳. صفویه در آغاز..... ۲۰
- ۳-۳. سیاست مذهبی پادشاهان صفوی..... ۲۵
- ۴-۳. حماسه جاویدان تنباکو..... ۳۰
- ۵-۳. نقش روحانیت (علمای برجسته) در انقلاب مشروطه..... ۳۲
- ۳-۵-۱. آیت الله شیخ فضل الله نوری..... ۳۴
- ۳-۵-۲. آیت الله محقق نائینی..... ۳۹
- ۳-۵-۳. سید یزدی و مشروطه..... ۴۱
۴. فصل چهارم: نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی اجتماعی عصر پهلوی تا انقلاب..... ۴۵
- ۴-۱. مقدمه:..... ۴۶
- ۴-۲. مخالفت و مقاومت علما در برابر کشف حجاب..... ۴۷
- ۴-۳. آیت الله سید حسن مدرس..... ۴۸
- ۴-۳-۱. مدرس در عرصه سیاست..... ۴۹
- ۴-۴. نهضت ملی نفت..... ۵۳
- ۴-۵. آیت الله بروجردی و اصلاحات دهه ۲۰ و ۳۰..... ۵۶
- ۴-۶. امام خمینی (ره) به عنوان مرجع تقلید..... ۵۹
- ۴-۷. اندیشه های سیاسی امام در روند تاریخی..... ۶۳
- ۴-۸. نیروهای روحانیت در اوایل دهه ۴۰..... ۶۴
- ۴-۹. مخالفت مراجع و علما با لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی..... ۶۵
- ۴-۱۰. مراجع و انقلاب سفید..... ۶۹
- ۴-۱۰. ماجرای پانزدهم خرداد..... ۷۱

ج

- ۷۴..... ۱۱-۴. کاپیتولاسیون
- ۷۷..... ۱۲-۴. قیام ۱۹ دی
- ۸۰..... ۱۳-۴. مراحل پیدایش انقلاب از دیدگاه امام خمینی
- ۸۵..... ۵. فصل پنجم: نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی
- ۸۶..... ۱-۵. مقدمه
- ۸۹..... ۲-۵. تدوین قانون اساسی جدید
- ۹۱..... ۱-۲-۵. پیش نویس قانون اساسی
- ۹۱..... ۲-۲-۵. نظر مراجع و علما به پیش نویس قانون اساسی
- ۹۲..... ۱-۲-۲-۵. آیت الله گلپایگانی
- ۹۳..... ۲-۲-۲-۵. آیت الله مرعشی
- ۹۶..... ۳-۲-۲-۵. آیت الله شریعتمداری
- ۹۸..... ۴-۲-۲-۵. آیت الله منتظری
- ۱۰۲..... ۵-۲-۲-۵. نظر امام خمینی در مورد قانون اساسی
- ۱۰۴..... ۳-۲-۵. گنجاندن اصل ولایت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۰۵..... ۳-۵. سیزدهم آبان ماه از تبعید تا تسخیر
- ۱۰۷..... ۴-۵. عدم تفاهم با رهبری
- ۱۰۹..... ۵-۵. نقش علما و شاگردان امام در شکل گیری انقلاب و تحولات بعد از آن
- ۱۱۳..... ۶-۵. جنگ تحمیلی
- ۱۱۵..... ۱-۶-۵. دفاع و مقاومت
- ۱۱۶..... ۷-۵. مقابله با تهاجم فرهنگی

۱۱۹.....۶.فصل ششم نتیجه گیری.....

۱۲۴.....منابع.....

۱۲۴.....کتابها.....

۱۲۸.....مجلات.....

۱۳۰.....نمایه.....

۱۳۰.....اصطلاحات علمی.....

۱۳۱.....اشخاص.....

۱۳۳.....کتابها.....

پیشگفتار

با آغاز تمدن و رشد تدریجی حیات جمعی، گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی شکل گرفتند. تشکیل طبقات اجتماعی در یک جامعه محصول دو عامل بوده: یا معلول شرایط اقتصادی و سیاسی، یعنی عوامل مادی زندگی اجتماعی بوده است و یا معلول اعتقادات مذهبی و قومی. از جمله اقشار مهم و تأثیرگذاری که در نتیجه اعتقادات مذهبی شکل گرفتند، روحانیان و مراجع بودند. این قشر در زندگی انسان از ابتدا تا انتها حضوری دایمی دارد. قدمت حضور روحانیان مراجع در زندگی جمعی انسان با قدمت حضور دین برابری می‌کند؛ یعنی از روزی که انسان اعتقاد به دین و مذهب داشته، عده‌ای رانیز با عنوان مفسران رسمی آن دین و مذهب مشاهده نموده و ایشان را پذیرا شده است.

در تاریخ ادیان گوناگون، معمولاً پس از ظهور دین و تثبیت آن و پس از نسل نخست مؤمنان، با توجه به توسعه روابط اجتماعی و توسعه علوم و اندیشه‌ها و نیازهای جدید مادی و معنوی انسان و گسترش ارتباطات و آشنایی با آداب و رسوم و اعتقادات و ادیان ملل دیگر، پرسش‌ها و مسائل تازه‌ای مطرح می‌شده است که دین باید پاسخگویی آن‌ها باشد؛ یعنی دین باید بتواند همپای مقتضیات و شرایط زمان و مکان حرکت کند. به همین دلیل، به طور طبیعی گروهی این وظیفه را به عهده گرفته و کوشش خود را معطوف به تعلیم و تعلم علوم دینی می‌کنند. این گروه کم‌کم گسترش یافته و جنبه رسمی به خود گرفته و مراجع آن دین را تشکیل می‌دهند. به علاوه، ایشان نظارت بر انجام شعائر دینی و هدایت افکار و اعتقادات مذهبی عامه مؤمنان را بر عهده دارند.

به دلیل تأثیر جایگاه ویژه مراجع در حیات اجتماعی ملل گوناگون، در مطالعه تاریخ اجتماعی هر ملتی باید به این قشر و پایگاه و جایگاه ایشان نیز پرداخت و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این نیاز، به ویژه در مطالعه تاریخ ایران، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا تاکنون در تبیین و تحلیل تاریخ ایران بیشتر مورخان توان خود را معطوف مطالعه تاریخ سیاسی نموده و صرفاً در مورد حکومت‌ها و مسائل مربوط به ایشان سخن رانده‌اند، در حالی که برای شناخت و درک بهتر و بیشتر یک ملت، باید در کنار تاریخ سیاسی تاریخ اجتماعی آن نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

۱. فصل اول: کلیات

۱- ایان مسئله:

از جمله ویژگی های بارز اسلام در قیاس با سایر ادیان الهی، ماهیت سیاسی آن است که منجر شده این مکتب از بدو ظهور توجه به سیاست را یک ضرورت و تکلیف در دستور کار خود داشته باشد. در جامعه ایران پس از ورود اسلام و بسط تشیع، روحانیت و بویژه مرجعیت شیعه یکی از پرنفوذترین و تاثیرگذارترین اقشار اجتماعی بوده و در بیشتر جریان های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نقش ایفا نموده است. آنها با تمام توان در مقابل نفوذ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بیگانگان مقاومت کردند همچنین آنان در راستای خدمت به ایجاد عدالت و مشروطیت تلاشهای زیادی انجام دادند مهمتر از همه اینکه مراجع نقش قدرتمندی را در ایجاد تعادل در دیکتاتوری سلطنتی ایفا کردند درحقیقت در غیاب وجود یک نهاد مردمی قوی در ساختار سیاسی ایران، مردم به دنبال ملجا و پناهگاهی در سنتهای دینی بودند تا استبداد سلطنتی را کنترل نمایند. نیروهای اجتماعی نیز از این نهاد مهم به عنوان نهاد هدایت گر در مبارزات شان علیه جباریت و استبداد حمایت کردند تا اینکه در نهایت با رهبری و هدایت همین نهاد مهم یعنی مرجعیت شیعه و حمایت نیروهای اجتماعی از آن، پیروزی معجزه آسای انقلاب اسلامی که مهمترین واقعه قرن بیستم در ایران است با رهبری پیامبر گونه مرجع بزرگ شیعه حضرت امام خمینی(ره) به وقوع پیوست.

در یک تعریف کلی، نقش به رفتاری اطلاق می شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده، انتظار دارند. با توجه به این تعریف از نقش، تحقیق حاضر در پی اثبات این مطلب است که چه انتظاری از مرجعیت شیعه به عنوان نمایان عام امام زمان وجود دارد و پس از آن، عملکرد مراجع چگونه بوده است آیا این انتظارات برآورده شده است یا خیر؟

۲- پرسش اصلی تحقیق (مسئله تحقیق):

نقش مرجعیت با توجه به پایگاه اجتماعی ایشان در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران و به طور خاص انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

۱- ۳ سوالات فرعی:

۱. چگونه مرجعیت شیعه در ایران شکل گرفت؟
۲. چرا مردم مرجعیت شیعه را به عنوان ملجا و پناهگاه خود در مقابل ظلم و استبداد می دانند؟
۲. نقش مرجعیت شیعه در شکل گیری انقلاب اسلامی چه بود؟

۱- ۴ پیشینه تحقیق:

رهیافت نظری بر نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی - اجتماعی با تاکید بر انقلاب اسلامی.... ۴

پیرامون موضوع نقش روحانیت در تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران مطالعات گسترده و گوناگونی در قالب کتب، پایان نامه ها و مقالات صورت گرفته است که هر یک از آنها جهت خاصی را مد نظر قرار داده و در ارتباط با آن بحث نموده اند.

از میان کتب می توان به کتاب (مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست) نوشته محمد حسین منظور الاجداد اشاره کرد که اسناد و گزارشهایی در مورد آیات عظام نائینی، اصفهانی، حائری و بروجردی از سال ۱۲۹۲ تا ۱۳۳۹ شمسی را نقل کرده است اما این کتاب به صورت نظری و تحلیلی وارد مباحث نشده و فقط به صورت سندی و با تاکید بر اشخاص نقش این علما را در عرصه اجتماع و سیاست بیان نموده است.

از میان مقالات نیز می توان به مقاله (نهاد مرجعیت شیعه و نقش آن در تحولات اجتماعی ایران معاصر) نوشته علی ربانی خوراسگانی در مجله شیعه شناسی در سال ۸۴ اشاره کرد که این مقاله تنها به نقش مرجعیت در تحولات اجتماعی پرداخته و بیشتر مباحث آن تاریخی بوده و از دیدگاه نظری به مباحث نپرداخته است.

۱-۵ هدف تحقیق:

اولاً: به جهت علاقه ای که به این موضوع داشته ام و ثانیاً: برای استفاده محققان، پژوهشگران و برنامه ریزان فرهنگی و سیاسی کشور.

۱-۶ فرضیه:

تنها حرکت هایی در تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر کشور با موفقیت نسبی یا کامل همراه بوده است که به نحوی با نقش مرجعیت شیعه پیوند خورده است.

۱-۷ نوع روش تحقیق:

مقایسه تاریخی، تحلیلی

۱-۸ روش گرد آوری اطلاعات:

کتابخانه ای و فیش برداری

۱-۹ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش اسنادی، استدلالی و مقایسه تاریخی

۱-۱۰ ساختار و سازماندهی تحقیق:

پیشگفتار

فصل اول: شامل کلیات تحقیق اعم از موضوع، بیان مسأله، فرضیه، ساختار و ... می باشد. .

فصل دوم: شکل گیری مرجعیت شیعه در ایران که شامل کارکرد های مرجعیت شیعه، مشروعیت بخشیدن به رهبری مرجع و... می باشد.

فصل سوم: نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی اجتماعی عصر صفویه تا عصر پهلوی که شامل: رابطه علما و دربار صفوی، حماسه جاویدان تنباکو و نقش علمای برجسته در انقلاب مشروطه می باشد.

فصل چهارم: نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی واجتماعی عصر پهلوی تا انقلاب اسلامی که شامل: ارتباط میان مراجع و رضا شاه، نهضت ملی نفت، دوران آیت الله برجدی و امام خمینی، انقلاب سفید، ماجرای پانزده خرداد و... می باشد.

فصل پنجم: نقش مرجعیت شیعه در تحولات سیاسی واجتماعی بعد از انقلاب اسلامی که شامل: تدوین قانون اساسی جدید ماجرای تسخیر لانه جاسوسی دفاع مقدس و... میباشد.

فصل ششم: جمع بندی و نتیجه تحقیق

۲. فصل دوم: شکل‌گیری مرجعیت

شیعه در ایران و تحولات علمی-سیاسی

آن

۱-۲ مقدمه

جامعه ایرانی و ملت ایران از جمله کهن‌ترین و پرسابقه‌ترین اجتماعاتی است که در مقاطع گوناگون، تأثیر غیرقابل انکاری بر تمدن بشری به جای گذارد و با وجود مواجه شدن با مصایب و بحران‌هایی که هر یک می‌توانست ملتی را از پای اندازد، تا کنون به حیات خویش ادامه داده است.

ایرانیان از ابتدا، که در این سرزمین به عنوان یک ملت مستقل هویت یافتند، در زمینه مسائل مذهبی حساسیت داشته‌اند و از جمله نخستین ملت‌هایی بوده‌اند که پی به وجود خدای یگانه برده و یکتاپرست شده‌اند. در مقایسه با دیگر ملت‌های متمدن، دین ایرانیان اصولاً یکتاپرستی بوده است.^۱ ایرانیان هرگز بت‌پرستی نکرده و خدا را در قالب جسم و تصویر پرستش ننموده‌اند و به قول هرودوت، مورخ نامی یونان، این عمل را حماقت می‌دانستند.^۲

تأثیر اندیشه‌های مذهبی ایرانیان، به ویژه در زمینه اعتقاد به رستاخیز و زندگی پس از مرگ، در اعتقادات مذهبی سایر ادیان، بخصوص یهودیان، و خداشناسی مسیحیان غیرقابل انکار است. بر خلاف جوامع دیگر، در طول تاریخ، دین در جامعه ایرانی تنها یک نهاد در ردیف نهادهایی مانند خانواده، اقتصاد، آموزش و دولت نبوده، بلکه یک فرانهاده بوده که در نهادهای دیگر وارد شده و حضوری همیشگی داشته و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. حتی در اغلب کتیبه‌های بر جای مانده از ایران باستان نیز هرچند دولت حاکم رسماً دولتی دینی نبود، ولی در این کتیبه‌ها، که همه با نام خداوند شروع می‌شوند، حکومت و پیروزی‌ها و تداوم حاکمیت به خواست و اراده خداوند نسبت داده شده و هدف حکومت اجرای فرامین الهی اعلام گردیده، که همه مبین اطاعت محض از خداوند می‌باشند.^۳

با این زمینه‌ها و سوابق فرهنگی و اجتماعی، از زمانی که اسلام وارد این سرزمین شد و مردم به هر طریقی و به تدریج به آن ایمان آوردند، و از روزی که ایرانیان با مذهب تشیع آشنا گشتند و به این سلوک مؤمن شدند، اعتقادات اسلامی و شیعی بر تمام جنبه‌های حیات فردی و جمعی ایرانی تأثیرگذار بوده است. در طول دوران حضور اسلام در ایران، همه نهادها از خانواده و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و سیاست، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. حتی جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی و اجتماعی این سرزمین یا محتوای مذهبی داشته‌اند و یا اگر در محتوا مذهبی نبودند، برای امید به پیروزی و جلب

۱- ا.ت. اوستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ص ۶۴۰.

۲- فرهنگ مهر، دیدی نو از دینی کهن، ص ۱۴۶.

۳- رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ص ۱۷۲.

توجه مردم و اخذ حمایت ایشان، به ظاهر مذهبی درآمده‌اند و از شعارهای مذهبی بهره برده‌اند. از قیام سیاسی ابومسلم خراسانی با شعار مذهبی «الرضا من آل محمد» گرفته تا قیام شیعی سربداران، و از حرکت سیاسی - مذهبی صفویه تا قیام‌ها و جنبش‌های معاصر در دوران قاجاریه و پهلوی، همگی یا در محتوا و یا به ظاهر شعار مذهبی داشته‌اند.

بدین‌سان، جامعه ایرانی یکی از کهن‌ترین جوامع مذهبی مشرق زمین است و نظامات پایدار زندگی مبتنی بر عقاید دینی در آن ریشه کهن داشته، همواره یک قشر صاحب نفوذ و قدرت را با نام «علمای دینی» به خود دیده است. وقتی عامه و نخبگان این‌گونه از مذهب متأثر بوده‌اند، قطعاً متولیان رسمی دین، یعنی روحانیان و مراجع نیز موقعیتی بی‌بدیل و رشک برانگیز و بی‌رقیب داشته‌اند.

در جهان اسلام، شاهد دو مذهب عمده بوده‌ایم: یکی مذهب اهل سنت که در میان ایشان، طبقه رسمی روحانیت و مرجعیت از زمان خلفای بنی‌عبّاس با رسمیت بخشیدن به چهار مکتب فقهی حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی و مخالفت با پدیدآمدن مکاتب دیگر، پایه‌گذاری شد و دیگری مذهب تشیع که نهاد روحانیت و مرجعیت شیعه به طور غیررسمی از ابتدا و همزمان با پیدایش این مذهب و همپای آن وجود داشته است؛ زیرا شیعیان به عنوان یک اقلیت انقلابی، در درون جامعه اسلامی همیشه تحت فشار بوده‌اند. پس به ناچار نیاز به یک سازمان واحد متمرکز و رهبری مرکزی داشتند که هم وظیفه رهبری سیاسی و هم هدایت مذهبی مؤمنان را عهده‌دار باشد.

نهاد رسمی روحانیت و مرجعیت شیعه از زمان غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام شیعیان، در نیمه قرن سوم هجری و از قرن چهارم با گسترش علوم قرآنی، کلامی، حدیث و فقه شکل گرفت. در این دوره، امامان شیعه در دسترس مردم نبودند و برای محافظت از اندیشه‌های شیعه، که عموماً توسط امام محمد باقر علیه‌السلام و امام جعفر صادق علیه‌السلام تدوین شده بودند، علمای شیعه خود رأساً وارد عمل شدند تا در غیبت امامان، مؤمنان شیعه بی‌رهبر و هادی نباشند. بدین‌سان، تشکلی تحت عنوان «حوزه‌های علمیه» پدید آوردند تا به تربیت عالم و مجتهد و روحانی بپردازند. نخستین حوزه‌های علمیه در شهرهای مقدّس شیعیان یعنی کربلا و نجف تأسیس شدند. حوزه کربلا در اواخر قرن سوم هجری^۱ و حوزه نجف توسط شیخ جعفر طوسی در قرن چهارم هجری^۲ با همین هدف پدید آمدند.

بدین‌روی، نهاد روحانیت شیعه با رسمیت یافتن، تبدیل به یکی از تأثیرگذارترین گروه‌ها در زندگی

۱- عبدالحسین شهیدی صالحی، «مدرسه کربلا از آغاز تا آل بویه»، حوزه ۷۲ (۱۳۷۴): ۱۶۱-۱۶۲

۲- علیرضا میرزا محمد، آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۰.

عامه شیعیان شد. با رشد تدریجی مذهب شیعه در ایران و رسمیت یافتن آن به دست خاندان صوفی‌مسلک و خانقاه‌نشین صفویه و شیعه‌شدن ایرانیان، روحانیان شیعه همواره یکی از صاحب‌نفوذترین و قوی‌ترین قشرهای اجتماعی بوده‌اند. در تاریخ ایران، به ویژه پس از دوره صفویه - شاید به استثنای دوره کوتاه مدت نادرشاهی - کمتر تحول و حرکت اجتماعی و سیاسی و حتی نظامی وجود داشته که حضور، تأثیر و یا جای پای روحانیان و مراجع در آن نباشد. در اغلب حرکت‌ها و تحولات، روحانیان، یا خود یک سوی ماجرا بوده‌اند و به طور مستقیم در آن حضور داشته‌اند و یا تصمیم و موضع ایشان در سرنوشت آن ماجرا تأثیرگذار بوده است.

مفهوم مرجعیت دینی و لزوم اطاعت از مجتهد جامع‌الشرایط دقیقاً از مبانی فقهی و کلامی شیعیان نشأت می‌گیرد و این مبانی به همان ترتیب که مجتهدین شیعه را در موقعیتی والا قرار می‌دهد، مردم را هم به اطاعت از آنان فرا می‌خواند. یک عالم شیعی با تکیه بر اعتقادات خویش می‌تواند بدون تردید و دلهره در برابر نظام حاکم در مواردی که لزومش را تشخیص می‌دهد، بایستد و مردم را به این ایستادگی فراخواند. از این زاویه، دیگر مسأله، مسأله‌ای شخصی نخواهد بود و صرفاً به خصیله‌های شخصی علمای شیعه بازمی‌گردد.

مفهوم مرجعیت در ذات خود دو مفهوم «اجتهاد» و «تقلید» را نهفته دارد و اصولاً از ترکیب اجتهاد و تقلید، مفهوم مرجعیت ظهور می‌یابد. بنابراین برای فهم معنای مرجعیت، دانستن مفهوم اجتهاد و تقلید لازم است.

از دیدگاه مکتب تشیع، اسلام در کنار یکسری معارف اصلی مربوط به مبدأ و معاد و یک رشته اصول اخلاقی، یک سلسله قوانین و مقررات درباره اعمال انسانی در زندگی اجتماعی دارد که هر انسان مکلفی را موظف می‌کند که کردار فردی و اجتماعی خود را با آنها تطبیق داده و از آن دستورات که مجموعه آنها شریعت نامیده می‌شود، پیروی کند. از سوی دیگر، از آنجا که دستورات دینی کلی و محدود بوده و کردارهای انسانی و حوادث روزمره نامتناهی می‌باشند، برای به دست آوردن جزئیات احکام راهی جز اعمال نظر و پیمودن طریق استدلال نیست. بنابراین برای تشخیص وظایف و احکام دینی باید راهی را پیمود که عقلای اجتماع برای تشخیص وظایف فردی و اجتماعی از متن قوانین و دستورات کلی و جزئی می‌پیمایند. این امر همان مفهوم و معنای اجتهاد است که به وسیله آن حکم شرعی از بین احکام دینی به روش استدلالی و با به کار انداختن یک رشته قواعد مربوط (قواعد اصول فقه) استخراج می‌شود.^۱ بنابراین یکی از وظایف مسلمانان شناختن احکام اسلامی از راه اجتهاد

است، ولی روشن است که انجام این وظیفه برای تمامی مسلمانان امکان‌پذیر نیست و فقط عده‌ای از آنان قدرت و توانایی آن را دارند و می‌توانند با اجتهاد خود احکام دینی را استنباط کنند. بنابراین برای افرادی که توانایی اجتهاد را ندارند وظیفه دیگری در نظر گرفته شده و آن این است که مسائل شرعی مورد نیاز خود را از کسی که توانایی اجتهاد مسائل را دارد بپرسند.

تعذر اجتهاد در احکام برای همه از یک طرف و وجوب تحصیل معرفت به احکام دینی برای همه از طرف دیگر موجب گردیده است که در اسلام برای افرادی که توانایی اجتهاد ندارند وظیفه دیگری در نظر گرفته شود و آن این است که احکام دینی مورد ابتلای خود را از افرادی که دارای ملکه اجتهاد می‌باشند، اخذ و دریافت دارند و این است معنی کلمه تقلید در مقابل کلمه اجتهاد که در میان ما دایر و پیوسته مورد استعمال است .

بنابراین مرجعیت عبارت از این است که هر مسلمان شیعه‌ای که نمی‌تواند احکام دینی خود را از طریق اجتهاد، به دست آورد، بر اساس حکم عقل و شرع، از مجتهدی تقلید کند که دارای چنین توانایی است. این مسأله در امور غیر دینی انسانها نیز همواره به طور معمول اتفاق می‌افتد و افراد برای حل مشکل زندگی خود به متخصصان امور مختلف رجوع کرده و از نظریات آنها تبعیت می‌کنند. البته در مکتب تشیع در عصر حضور امامان معصوم(ع)، تبعیت از نظریات ایشان بر تمامی شیعیان واجب است و ایشان احکام را برای همه بیان می‌دارند و یا نمایندگانی را برای برخی نقاط اعزام می‌کنند تا به مسائل مورد احتیاج شیعیان پاسخ دهند^۱. ولی در عصر غیبت امام معصوم(ع) هر شیعه‌ای که توانایی استنباط احکام دینی خود را نداشته باشد - علاوه بر حکم عقل - بر اساس دستور امامان معصوم، بایستی از مجتهد جامع‌الشرایط، تقلید کند. بنابراین مرجعیت در مکتب شیعه در واقع به نوعی استمرار امامت در عصر غیبت است که تا اندازه ممکن وظایف امام معصوم را بر عهده می‌گیرد. از آنجا که رجوع به مجتهد جامع‌الشرایط تحت عنوان «مرجع تقلید» - علاوه بر عقلانی بودن آن - از سوی امام معصوم(ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ این تأکید پشتوانه مردمی بسیار مستحکمی برای مرجع تقلید مہیا می‌کند تا از تواناییهای اجتماعی-سیاسی بالقوه قدرتمندی در کنار توانمندیهای دینی برخوردار شود.

۲-۲ کارکردهای مرجعیت

کارکردهای مرجعیت بسیار گسترده است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۲-۱-۲. مشروعیت بخشیدن به رهبری مرجع: مرجعیت با مفهوم توصیف شده مذکور به صورت بالقوه تواناییهای بسیار در خود نهفته دارد و اصولاً نتیجه منطقی استمرار مفهوم آن در عرصه عمل اجتماعی، پیدایش یک نظام سیاسی بر پایه دین و مکتب تشیع خواهد بود. ابراز این نظریه که مردم باید از نظریات یک مجتهد زنده تبعیت کنند، و اینکه چنین فردی قطعاً از یک حاکم و یا فرمانروای مادی کمتر در معرض خطا و اشتباه می‌باشد، به مجتهدین شیعه چنان پایگاه قدرتی بخشید که از قدرت علمای سنی به مراتب بیشتر بود. اکنون دیگر زمینه نظری روشنی در مورد مراجعه مردم به علما، به عوض مراجعه به فرد حاکم، وجود داشت و به همین سبب علما و مجتهدین طراز اول به حق مدعی بودند که آنها باید آن قسمت از تعلیمات سیاسی را که به نحوی با اصول اسلامی ارتباط پیدا می‌کرد مستقلاً و بدون دخالت نظر حکام دنیوی اتخاذ کنند.^۱

به این ترتیب، رجوع مردم به «مرجع» و ترجیح دادن رأی او بر نظر دیگران باعث پذیرش رهبری از سوی مردم خواهد شد و این امر به مرجع قدرتی می‌بخشد که میتواند در مقابل هر قدرتی که به نظرش نامشروع می‌آید، ایستادگی کند. به عبارت دیگر مرجعیت دینی، رهبری سیاسی را نیز بدنبال خواهد داشت چرا که در عرصه عمل اجتماعی، برخی رفتارهای سیاسی-اجتماعی قدرت حاکم با مبانی و قواعد مذهبی - که مرجع حافظ آن قواعد به شمار می‌رود- تقابل پیدا می‌کند و مرجع طبق وظیفه دینی خود در قبال چنین رفتارهایی دست به عکس العمل می‌زند و استمرار چنین وضعیتی به رویارویی تمام عیار دو قدرت سیاسی و مذهبی می‌انجامد. در چنین منازعه‌ای مردمی که از لحاظ مذهبی مقلد مرجع به شمار می‌روند، در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز سخن او را خواهند پذیرفت. بنابراین از لحاظ نظری تمامی رفتارها و حرکات مرجع، نزد مردم مسلمانی که از وی تقلید می‌کنند، از مشروعیت و مقبولیت برخوردار خواهد بود؛ و هرگاه مرجع حکم خاصی را صادر کند، اجرای آن از سوی مردم وظیفه‌ای دینی تلقی خواهد شد و همین مسأله باعث می‌شود میزان ضمانت اجرای آن افزایش یابد.

از سوی دیگر، از آنجا که خود مرجع نیز برای خود تکالیف و وظایفی را در راه حفاظت از مذهب در نظر می‌گیرد، لذا از لحاظ نظری مشکلی در مخالفت با نظام سیاسی موجود - که مخالف قواعد مذهبی عمل می‌کند- نخواهد داشت و مشروعیت چنین رژیم‌هایی را به آسانی زیر سؤال خواهد برد چرا که اصولاً بر اساس مبانی اندیشه‌های مکتب تشیع از آنجا که در زمان غیبت، حکومت ذاتاً غیر مشروع خواهد بود، مگر اینکه اجازه‌ای از طرف معصوم نسبت به حکومت حاکم صادر شده باشد، مرجع